

اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی

محمود اوحدی*

حسن مظاهری**

محمود معافی***

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی میزان اعتبار علمی برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران انجام شده است. نمونه آماری شامل ۵۵ نفر متخصصان حوزه‌های مرتبط می‌باشد و اطلاعات لازم با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه و تحلیل مباحث جلسات نقد و بررسی راهنمای برنامه لازم جمع‌آوری شده است.

نتایج این پژوهش حاکی از ضرورت بازنگری در تعریف ارائه شده از آداب و مهارت‌های زندگی، مبانی نظری حاکم بر اصول برنامه، رویکرد حاکم بر برنامه، توجه به تفاوت‌های جنسیتی در برنامه و همچنین رعایت یک نقشه مفهومی مناسب برای سطوح ابتدایی تا متوسطه، تعیین درس‌های حامل، توجه ویژه به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و الزامات اجرایی برنامه است. نکته حائز اهمیت این‌که متخصصان تأکید فراوانی بر غنی‌سازی برنامه‌های درسی مستقل و تلفیقی از نظر حوزه یادگیری آموزش آداب و مهارت‌های زندگی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۶ تاریخ شروع بررسی: ۹۰/۸/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۱۰

* کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

*** دکترای برنامه‌ریزی درسی

برای دانش‌آموزان داشتند. از جمله ویژگی‌های خاص و بومی این برنامه آن‌که علاوه بر مهارت‌های زندگی که در نظام‌های آموزشی دنیا مطرح است، بحث آداب زندگی نیز با آن همراه شده است.

کلیدواژه‌ها: راهنمای برنامه درسی، آداب و مهارت‌های زندگی، اعتباربخشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

مقدمه

جامعه ما، با توجه به فرهنگ اسلامی- ایرانی خود، به آموزش آداب زندگی در پرتو اسلام و آن دسته از مهارت‌هایی نیاز دارد که از یک سو دانش‌آموزان را در مسیر زندگی دین‌مدارانه و متعادل میان جنبه مادی و معنوی زیست این جهانی یاری دهد و از سوی دیگر، افراد را برای مقابله با چالش‌های زندگی روزمره آشنا کند تا افراد از یک زندگی شاد و موفقیت‌آمیز برخوردار باشند. آنچه که امروزه با نام مهارت‌های زندگی^۱ نیز وارد برنامه‌های درسی جهان شده است، حداقل بخش‌هایی از آن در آموزش‌های دینی و اسلامی با نام‌های دیگری مورد توجه بوده است. (معافی، ۱۳۸۸، ص ۱۷)

لطف آبادی (۱۳۸۵) معتقد است «آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرون حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد.» (ص ۱۲)

آموزش آداب و مهارت‌های زندگی یکی از حوزه‌های یادگیری اساسی در برنامه‌های درسی مدارس کشور ماست که با هدف آشنا کردن دانش‌آموزان با آموزه‌های دینی - اجتماعی و کسب مهارت‌ها در ارتباط با رشد شخصی، روابط بین فردی، روابط فردی - اجتماعی و نحوه برخورد عاقلانه افراد با چالش‌های زندگی روزمره تدوین شده است.

در حال حاضر، مهارت‌های زندگی عنوانی برای آن دسته از آموزش‌هایی است که به افراد یاد می‌دهد چگونه با چالش‌های زندگی روزمره مواجه شوند که در این خصوص دو رویکرد اساسی به شیوه غیررسمی در دنیا مطرح است (علاسوند، ۱۳۸۶، ص ۴۳) نخست رویکرد سازمان بهداشت جهانی^۲ است که اولین بار این آموزش‌ها را مطرح نمود. سازمان مذکور در اوت ۱۹۹۳ برنامه‌ای با عنوان آموزش مهارت‌های زندگی با همکاری یونیسف ارائه کرد. این آموزش‌ها به تدریج به عنوان

یک دستورالعمل برای بهبود وضعیت زندگی افراد به فرهنگ کشورها راه یافت. این سازمان بر آموزش ده مهارت تأکید دارد که در پنج عنوان با تنظیم دو تایی به شرح زیر مطرح شده‌اند:

۱. مهارت‌های خود آگاهی و همدلی؛
 ۲. مهارت‌های ارتباط بین فردی و اجتماعی؛
 ۳. مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله؛
 ۴. مهارت‌های تفکر خلاق و تفکر انتقادی؛
 ۵. مهارت‌های مقابله با هیجانات و استرس (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۷).
- رویگرد دوم، رویکرد 4H است که هر یک از این مهارت‌ها نیز به دو خرده مهارت اصلی و چندین حوزه مهارت فرعی تقسیم می‌شوند.

۱. مهارت‌های قلب^۴ شامل دو خرده مهارت «ارتباط برقرار کردن و مراقبت» است.
 ۲. مهارت‌های دست^۵ شامل دو خرده مهارت «خدمت کردن و کارکردن» است.
 ۳. مهارت‌های سلامتی^۶ شامل دو خرده مهارت «زندگی کردن و بودن» است.
 ۴. مهارت مغز^۷ شامل دو خرده مهارت «مدیریت و تفکر» می‌شود (دهستانی، ۱۳۸۷).
- اگرچه پیاده‌سازی و اجرای این توانایی‌ها و مهارت‌ها در هر کشور با توجه به شیوه زندگی افراد، نحوه نگاه به زندگی و مسایل هر جامعه و نوع مهارت‌های مورد نیاز آنان متفاوت است و ضمن وجود اشتراکاتی در بین آنها، نمی‌توان نسخه واحدی برای همه تجویز نمود ولی از آنجا که ایجاد این توانایی‌ها و مهارت‌ها زیست و زندگی افراد را تسهیل کرده، بهبود بخشد و یا دست‌کم قابل تحمل می‌نمایند وجود و حضور آنها در برنامه‌های درسی رسمی تمام نظام‌های آموزشی به صورت منسجم و هدفمند ضروری است.

بررسی و تحلیل محتوایی کتاب‌های درسی و ملاحظه وضعیت موجود برنامه‌های درسی در کشور ما نیز حاکی از همین امر است. با مراجعه به نتایج پژوهش‌های کیامنش (۱۳۷۹) با عنوان «سنجش صلاحیتهای دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی»، ادیب (۱۳۸۲) با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی از نظر میزان توجه به آموزش مهارت‌های زندگی» حقیقی (۱۳۸۴) «بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه»، اسکندری و رفیعی (۱۳۸۴) با عنوان «برنامه درسی جامع آموزش سلامت در مدارس» که به تبع آن تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و کتاب‌های درسی مرتبط راهنمایی و متوسطه با توجه به میزان توجه به آموزش سلامت مورد بررسی قرار گرفت. کرد نوقابی (۱۳۸۴) با عنوان «تهیه و تدوین برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی

برای دانش آموزان دوره متوسطه»، قاسمی زرگر (۱۳۸۵) با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه بر اساس مولفه‌های مهارت‌های زندگی»، حاجی زاده (۱۳۸۶) «ارزیابی محتوای کتاب‌های آموزش مهارتهایی برای زندگی پایه ی پنجم ابتدایی»، یارعلی (۱۳۸۷) «بررسی مهارتهای ارتباطی و اجتماعی در کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی»، فتحی واجارگاه (۱۳۸۷) «شناسایی و اولویت‌یابی مهارتهای زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی مدارس»، کیامنش (۱۳۷۸) «ارزشیابی پروژه آموزش دختران شاغل روستایی»، عابدینی (۱۳۹۰) «آموزش مهارت‌های زندگی در کتاب‌های درسی، نیازمند ایجاد تحول بنیادین» و موارد مشابه، تدوین یک برنامه‌ی درسی جامع و نقشه‌ی کار در زمینه‌ی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و ارتقای آن بر مبنای اسناد بالادستی و نیازهای آموزشی اعلام شده را الزامی کرده است. چنین نقشه‌ای به برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند تا متناسب با مواد درسی که طراحی آن را برعهده دارند، آموزش آداب و مهارت‌های مختلف زندگی را در متون برنامه‌های درسی رسمی و یا از طریق فعالیت‌های فوق برنامه به صورت مستقل یا تلفیقی در پروژه تولید محتواهای آموزشی مدنظر قرار دهند.

آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه نوین از سال ۱۳۷۴ و با همکاری سازمان بهزیستی، یونسف، سازمان جهانی بهداشت و معاونت پرورشی در آموزش و پرورش کلید خورد و تا سال ۱۳۷۷ به صورت آزمایشی در تعدادی از مدارس دوره‌های مختلف تحصیلی به شیوه غیر رسمی اجرا شد. (آقازاده و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶۳)

در سال ۱۳۷۸ برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به صورت یک درس ۲ واحدی و اختیاری تحت عنوان «مهارت‌های زندگی» وارد برنامه درسی دوره متوسطه گردید. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که به دلیل نبود معلمان ماهر و اختیاری بودن برنامه، استقبال چندانی از برنامه مذکور به عمل نیامده است. از طرف دیگر، برنامه تهیه شده عمدتاً با رویکرد سازمان بهداشت جهانی در برنامه درسی کشور به اجرا در آمده بود و در آن مباحثی چون چشم‌انداز قرآن، سنت و آرای متفکران و مربیان مسلمان کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گرفته بود. ضمن این که محتوای آن نیز از یک نقشه جامع و منسجم پیروی نمی‌کرد. (معافی، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

از آنجا که متولی رسمی تولید محتواهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش در کشور ما «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی» است توجه جدی به این موضوع به عنوان یک برنامه درسی مستقل از سال ۱۳۸۵ با تشکیل «کمیته آداب و مهارت‌های زندگی» آغاز شد. وظیفه اساسی این کمیته طراحی یک برنامه درسی جامع با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و سنت‌های دینی بود.

تدوین چنین برنامه‌ای مستلزم انجام پژوهش‌ها و نیازسنجی‌های آموزشی مرتبطی بود که این کار با بررسی تحقیقات انجام شده در این حوزه آغاز گردید که از جمله آنها در حوزه نیازهای اجتماعی می‌توان به گزارش پژوهش‌های اسفندیاری، ۱۳۸۲؛ اریب، ۱۳۸۲؛ فتحی واجارگاه، ۱۳۸۳؛ کردنوقانی، ۱۳۸۳؛ رهنما، ۱۳۸۴؛ ذوعلم، ۱۳۸۵؛ رنجی، ۱۳۸۶؛ حاجی‌زاده، ۱۳۸۶؛ ارجمندنی، ۱۳۸۶ و صادقی، ۱۳۸۶ اشاره نمود که به طور مشترک و یا مجزا حاکی از ضرورت توجه به نیازهای اجتماعی، شامل مهارت‌های جامعه سالم و دین‌مدار، مهارت‌های محیطی، مهارت‌های اقتصادی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حقوقی، مهارت‌های ایمنی، مهارت‌های رسانه‌ای، مهارت‌های فناوری، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های جهانی، آداب و مهارت‌های زندگی خانوادگی و مهارت‌های اخلاقی در آموزش آداب و مهارت‌های زندگی است.

در حوزه نیازهای فردی و آموزش آداب و مهارت‌های زندگی نیز پژوهش‌های مذکور به‌علاوه پژوهش رمضانخانی (۱۳۷۹) بر محورهای آداب الهی، آداب اولیای الهی، خود شناسی و حقیقت جویی، کرامت نفس، مهارت‌های جسمانی و سلامت، مهارت‌های عاطفی و مهارت‌های کاری و کار آفرینی، مهارت‌های بلوغ و مهارت‌های یادگیری تاکید داشتند.

همچنین به پژوهش معافی (۱۳۸۸) با عنوان «مبانی علمی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی» می‌توان اشاره نمود که با مراجعه به اسناد تاریخی و منابع روز جهانی و آرای صاحب‌نظران در حوزه مهارت‌های زندگی صورت پذیرفته است و به تبع آن طرح تولید راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی مطرح گردید و مطالعات تخصصی نیز در این زمینه صورت گرفت که حاصل آن تدوین «راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی» بود.

در بین متخصصان برنامه‌ریزی درسی همواره این اعتقاد وجود دارد که برای اطمینان از صحت علمی برنامه‌های درسی تولید شده، ضروری است قبل از اجرا، افراد صاحب نظر بر عناصر اصلی آن (رویکرد، اهداف، محتوا، سازمان محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی) در قالب ارزشیابی و اعتباربخشی به تفاهم برسند و زمینه دستیابی به نتایج مناسب در تعیین میزان همخوانی اجزای برنامه و همسویی با نیازهای مخاطبان فراهم گردد و در پی آن هر گونه اصلاح یا تغییر مورد نظر در برنامه صورت پذیرد.

بنابراین ضروری است قبل از انجام هر گونه عملی که منجر به تألیف کتاب درسی و تولید اجزای بسته آموزشی شود «راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی» در معرض قضاوت صاحب‌نظران و متخصصان مرتبط قرار گیرد تا حداکثر اهداف مورد نظر بدست آید.

معرفی راهنمای برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی^۸

رویکرد آموزشی در ایران، تأکید بر آموزش آداب زندگی دینی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی در برخورد با مسائل و چالش‌های زندگی است. البته قلمرو این آداب بسیار وسیع است و ضرورت دارد به صورت گزینشی و با توجه به نیاز مخاطب انتخاب شود و در آموزش مورد ملاحظه قرار گیرد.

آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در ۵ محور اصلی سازماندهی شده است:

۱. مهارت‌های رشد شخصی

۲. مهارت‌های بین فردی

۳. مهارت‌های اجتماعی

۴. مهارت‌های اخلاقی

۵. مهارت‌های زیست محیطی

هریک از محورها به چندین خرده مهارت تقسیم می‌شود. در این رویکرد به نوعی عمل شده است که اغلب خرده مهارت‌های پیشنهادی سازمان جهانی بهداشت و رویکرد ۴H نیز تحت پوشش قرار داده شود و در عین حال ماهیت بومی داشته باشد.

با این اوصاف تعریفی که در این راهنما از آداب و مهارت‌های زندگی ارائه شده عبارت است از «مجموعه قواعد، سنت‌ها و رسم‌های رایج در جامعه و توانمندی‌هایی که برای جامعه‌پذیری، برخورد عاقلانه با چالش‌های زندگی و برخورداری از یک زندگی موفقیت‌آمیز مورد نیاز است.» برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی با تدارک راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی صورت عملی به خود گرفته است. این راهنما شامل یک مقدمه، تعریف، ضرورت و اهمیت، اصول، رویکرد، اهداف، سرفصل‌ها و رئوس عمده محتوا، جداول وسعت و توالی، سازماندهی محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، شیوه ارزشیابی از مخاطبان، صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و بالاخره الزامات اجرایی برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در ۴۴ صفحه و برای سه دوره تحصیلی تدوین شده است.

در این برنامه، منظور از آموزش آداب، آموزش رفتارهای اجتماعی برخاسته از اسلام، سنت پیامبر (ص)، اولیای الهی و سنت‌های پسندیده اجتماعی است که ریشه در فرهنگ جامعه، دین اسلام و هنجارهای اجتماعی مردم ایران دارد. این رفتارها مستقل از زمان بوده و عمل به آن موجب پذیرش فرد از سوی دیگران می‌شود و به ارتقای منزلت اجتماعی شخص کمک می‌کند. از جمله ویژگی‌های خاص این برنامه، رویکرد خاص آن است؛ چرا که در این برنامه از

سه رویکرد مطرح شده، رویکرد سوم که ویژگی‌های اسلامی - ایرانی در آن مطرح شده است مدّ نظر قرار گرفته است:

۱. رویکرد سازمان جهانی بهداشت
 ۲. رویکرد ۴H یامهارت‌های مربوط به (قلب، دست، سلامتی و مغز)
 ۳. رویکرد آداب دینی و مهارت‌های شایستگی فردی و اجتماعی
- به نظر طراحان برنامه، رویکرد سوم یک رویکرد بومی است که ضمن توجه به نکات مثبت سایر رویکردها، متأثر از آموزه‌های دینی و نیازهای فردی دانش‌آموزان ایرانی در امور شخصی، بین فردی و اجتماعی می‌باشد.
- رویکرد آموزشی این حوزه در ایران، که ویژگی متفاوتی از دیگر نظام‌های آموزشی می‌باشد، تأکید بر آموزش آداب زندگی دینی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی در برخورد با مسائل و چالش‌های زندگی است. منظور از ادب نیز «قاعده‌ها، روش‌ها، سنت‌ها، رسم‌های رایج در فرهنگ هر جماعت و قوم است» (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی - جلد ۷) البته قلمرو آداب بسیار وسیع بوده و ضرورت دارد به صورت گزینشی و با توجه به نیاز مخاطب انتخاب شود و در آموزش مورد ملاحظه قرار گیرد.

اهداف کلی برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در قالب مقصد کلی برنامه دیده شده و آن تربیت افرادی مؤدب به آداب زندگی اسلامی و ایرانی، عامل به هنجارها و ارزش‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و توانمند در مقابله با چالش‌های زندگی روزمره است.

نکته قابل توجه دیگر این‌که چون آموزش آداب و مهارت‌های زندگی یک دانش میان رشته‌ای است لذا در دوره ابتدایی و راهنمایی با دروسی نظیر زبان فارسی، علوم تجربی، ریاضی، مطالعات اجتماعی و برنامه‌های بازدید و سایر فعالیت‌های پرورشی و امور فوق برنامه قابل تلفیق است اما در دوره متوسطه می‌تواند به دو شیوه تجویزی^۱ و غیر تجویزی ارائه شود. اهداف این درس را می‌توان با محتوای اغلب دروس نظیر قرآن، معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، اقتصاد، روان‌شناسی، کار آفرینی، آموزش دفاعی، برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی و فعالیت‌های پرورشی نظیر اردو، بازدید و سایر فعالیت‌های فوق برنامه تلفیق کرد.

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش، بررسی میزان اعتبار علمی مؤلفه‌های اصلی و فرعی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران است.

اهداف جزئی

۱. ارزیابی کلیات (تعریف، ضرورت، اصول) برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی؛
۲. ارزیابی منطقی برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و اعتبار رویکرد برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی؛
۳. ارزیابی میزان جامعیت اهداف آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و ارتباط اهداف با عناصر پنج‌گانه تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق و عرصه‌های چهارگانه خود، خدا، خلق و خلقت و نیازهای دانش‌آموزان؛
۴. ارزیابی میزان جامعیت محتوای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و تناسب آن با اهداف در دوره‌های تحصیلی؛
۵. بررسی میزان تناسب روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزش‌یابی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی با اهداف و رئوس مطالب آموزشی؛
۶. ارزش‌یابی صحت سازمان‌دهی محتوای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی؛
۷. ارزیابی روش‌های اجرایی برنامه از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی.

سوالات

- با توجه به اهداف ویژه پژوهش^۱، سوالات پژوهشی زیر در این اعتباربخشی مورد بررسی قرار می‌گیرد:
۱. کلیات (تعریف، ضرورت، اصول) برنامه^{۱۱} تا چه اندازه جامع است؟
 ۲. منطقی و رویکرد^{۱۲} برنامه تا چه اندازه قابل قبول و پذیرفتنی است؟
 ۳. اهداف برنامه تا چه میزان از جامعیت لازم برخوردار است و با عناصر پنج‌گانه^{۱۳} و عرصه‌های چهارگانه^{۱۴} برنامه درسی ملی و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگی دارد؟
 ۴. محورهای عمده آموزشی و خرده مهارت‌ها در دوره‌های تحصیلی تا چه اندازه با اهداف دوره‌های تحصیلی تناسب دارد؟
 ۵. روش‌های یاددهی - یادگیری تا چه اندازه با اهداف و رئوس محتوای برنامه تناسب دارد؟
 ۶. شیوه‌های ارزش‌یابی برنامه تا چه اندازه با اهداف و رئوس محتوای برنامه تناسب دارد؟
 ۷. سازمان‌دهی محتوای برنامه تا چه اندازه منطقی است؟
 ۸. صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و لوازم اجرایی برنامه تا چه اندازه به درستی تدوین شده و قابلیت اجرایی دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، افراد صاحب نظر در حوزه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی از حوزه علمیه، دفاتر ستادی، مؤلفان، مدرسان و دبیران تهران و برخی استان‌هاست.

تهیه نمونه آماری پژوهش که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند بوده است شامل ۵۵ نفر متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی (۷ نفر)، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی (۱۸ نفر)، حوزه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی (۱۳ نفر)، روان‌شناسی و علوم تربیتی (۱۲ نفر) و علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی (۵ نفر) می‌باشند که پس از ارسال پرسش‌نامه نظرسنجی برای آنها، تعداد ۴۴ پرسش‌نامه برگشت داده شد.

برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه نظر سنجی و مصاحبه استفاده شد. پرسش‌نامه نظرسنجی با ۲۲ سؤال باز و بسته، برگرفته از ۶ هدف و ۸ سؤال اصلی پژوهش است. در ضمن با برگزاری یک نشست نقد و بررسی حضوری اطلاعات تکمیلی در این زمینه فراهم گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه نظرسنجی، گفت‌وگوی حضوری با نقادان برنامه و مصاحبه با متخصصان به صورت فراوانی، درصد و طبقه‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با عنایت به نتایج تجزیه و تحلیل، نقطه نظرات مورد نظر برای اصلاح برنامه به شورای برنامه‌ریزی مربوط ارائه گردید.

اعتبار و روایی این ابزارها نیز به این صورت بود که ضمن الگوگیری از ابزار پژوهش‌های قبلی و دریافت نظرات مشاوران مرتبط، این ابزار محقق ساخته در یک نمونه کوچک در بین کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی که متخصص در حوزه‌های مختلف مربوط بودند توزیع و به صورت آزمایشی اجرا گردید و ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹ محاسبه شد.

داده‌های پژوهش و توصیف آنها

برای آن که مشخص گردد هر یک از اهداف و سوالات پژوهشی به چه شکلی توسط پرسش‌نامه نظر سنجی مورد سنجش قرار گرفته است جدول ردیابی داده‌های حاصل از پرسش‌نامه نظرسنجی (جدول ۱-۴) ارائه می‌گردد در این جدول مشخص شده است که هریک از اهداف پژوهش در قالب کدام سوال پژوهشی و هر سوال پژوهشی در قالب کدام پرسش در پرسش‌نامه نظرسنجی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

جدول شماره ۴. ردیابی داده‌های حاصل از پرسشنامه نظرسنجی

اهداف اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی	سؤالات پژوهشی	ردیابی بررسی سوالات و ابزار اندازه‌گیری
۱. ارزیابی کلیات (تعریف، ضرورت و اصول) راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی	۱. کلیات (تعریف، ضرورت و اصول) راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه اندازه جامع است؟	سوالات شماره ۱، ۲، ۳
۲. ارزیابی منطق برنامه و اعتبار رویکرد راهنمای برنامه درسی	۲. منطق و رویکرد راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه اندازه قابل قبول و پذیرفتنی است؟	سوالات ۴، ۵
۳. ارزیابی میزان جامعیت اهداف و ارتباط آن با عناصر ۵ گانه و عرصه‌های چهارگانه و نیازهای دانش‌آموزان	۳. اهداف راهنمای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه میزان از جامعیت لازم برخوردار است و با عناصر ۵ گانه تربیتی و عرصه‌های چهارگانه برنامه درسی و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگی دارد؟	سوالات ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۲۱
۴. ارزیابی میزان جامعیت محتوای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و تناسب آن با اهداف دوره‌های تحصیلی	۴. محورهای عمده آموزشی و خرد مهارت‌ها در دوره‌های تحصیلی تا چه اندازه با اهداف دوره‌های تحصیلی تناسب دارد؟	سوالات ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳
۵. بررسی میزان تناسب روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی با اهداف و رئوس مطالب آموزشی	۵. روش‌های یاددهی یادگیری تا چه اندازه با اهداف و رئوس محتوای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تناسب دارد؟ ۶. شیوه‌های ارزشیابی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه اندازه با اهداف و رئوس محتوای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تناسب دارد؟	سوال ۱۷ سوال ۱۸
۶. ارزیابی صحت سازمان‌دهی محتوای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و روش‌های اجرایی برنامه از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی	۷. سازمان‌دهی محتوای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه اندازه منطقی است؟ ۸. صلاحیت حرفه‌ای معلمان و لوازمات اجرایی برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تا چه اندازه به درستی تدوین شده و قابلیت اجرایی دارد؟	سوالات ۱۴، ۱۵، ۱۶ سوالات ۱۹، ۲۰

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از یافته‌های مربوط به سؤال پژوهشی شماره یک نشان می‌دهد که تعریف آداب و مهارت‌های زندگی، از نظر بیش از ۴۸ درصد از پاسخ دهندگان، تعریفی قابل قبول بوده است. ضمن این‌که بعضی از آنها نیز لفظ آداب را یک مفهوم تازه دانسته و اضافه کردن آن

به مهارت‌های زندگی را جای تأمل دانسته‌اند. ۴۰ درصد متخصصان مورد نظر بخش ضرورت و اهمیت این راهنمای برنامه را قابل قبول دانسته‌اند، ۵۵ درصد تاحدی قابل قبول و ۷ درصد دیگر غیر قابل قبول می‌دانند. در ارتباط با جامعیت اصول حاکم بر برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی نیز، ۴۳ درصد از پاسخ دهندگان اصول را جامع و ۵۲ درصد تا حدی جامع دانسته‌اند و ۵ درصد نیز جامع نمی‌دانند. در ضمن بعضی از پاسخ دهندگان خواستار افزودن اصول انعطاف‌پذیری، بهره برداری از منابع دینی، توجه به حس زیباشناختی و قضاوت فطری دانش آموز، توجه به ارزشیابی کیفی و مواردی از این دست شده‌اند.

در پاسخ به سوال پژوهشی ۲ که به منطق و رویکرد برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی بر می‌گردد، ۴۱ درصد پاسخ دهندگان رویکرد را مناسب و ۴۵ درصد آن را تا حدودی مناسب می‌دانند و ۱۴ درصد اعتقاد دارند که رویکرد به شکل مناسبی بیان نشده است. در ارتباط با تبیین رویکرد برنامه (رویکرد مد نظر این برنامه) و مقایسه آن با رویکرد سازمان بهداشت جهانی و رویکرد ۴H ذکر شده، ۵۰ درصد پاسخ دهندگان تبیین رویکرد فوق را روشن، ۲۸ درصد تا حدودی روشن و ۲۲ درصد این تبیین را ناکافی دانسته‌اند.

نتایج حاصل از سؤال پژوهشی ۳ در ارتباط با میزان جامعیت اهداف کلی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و ارتباط آن با عناصر پنج گانه و عرصه‌های چهار گانه و نیازهای دانش‌آموزان، ۴۵ درصد پاسخ دهندگان اهداف کلی را جامع و ۵۰ درصد تا حدودی جامع دانسته‌اند و ۵ درصد نیز اعتقاد دارند که اهداف از جامعیت لازم برخوردار نیست. بعضی نیز عدم انسجام اهداف را ناشی از عدم تعریف یک‌پارچه از برنامه و رویکرد حاکم بر آن می‌دانند. در ارتباط با همخوانی محتوای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی با اصول حاکم بر برنامه درسی، ۶۳ درصد پاسخ دهندگان آن را هم‌خوان، ۲۷ درصد تا حدودی هم‌خوان و ۹ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند. در ضمن بعضی افراد به مغایرت بین محتوا و اصول حاکم بر برنامه اشاره کرده‌اند.

در ارتباط با توجه به نیازهای فردی، بین فردی و اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان در تدوین اهداف برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، پاسخ دهندگان اهداف ابتدایی را ۴۵ درصد و ۵۳ درصد تا حدودی در راستای نیاز آنها دانسته‌اند و ۲ درصد نیز در راستای نیاز دانش‌آموزان نمی‌دانند. ایشان اهداف راهنمایی را ۵۹ درصد و ۳۲ درصد تا حدودی در راستای نیاز دانسته و ۹ درصد اهداف را در راستای نیاز دانش‌آموزان این دوره تحصیلی نمی‌دانند. ۶۱ درصد افراد فوق اهداف متوسطه را در راستای نیازها، ۲۴ درصد تا حدودی در راستای نیازها می‌دانند و ۵ درصد در راستای نیازها نمی‌دانند. در ارتباط با لحاظ کردن آموزش

نقش جنسیتی (دختر و پسر) و ازدواج در برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی دوره متوسطه، بیش از ۸۴ درصد پاسخ دهندگان موافق با ارائه این گونه آموزش‌ها بوده‌اند. نتایج پاسخ به سوال پژوهشی شماره ۴ مبنی بر تناسب سرفصل‌ها و رئوس عمده محتوای آداب و مهارت‌های زندگی با اهداف مصوب شورای عالی آموزش پرورش برای دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان، اهداف دوره ابتدایی را بیش از ۷۷ درصد همخوان و ۲۳ درصد تا حدودی همخوان می‌دانند، اهداف دوره راهنمایی را بیش از ۴۳ درصد همخوان، ۴۷ درصد تا حدودی همخوان و ۵ درصد ناهمخوان دانسته‌اند و سرفصل‌ها و رئوس عمده محتوای درس متوسطه را ۴۸ درصد هم‌خوان با اهداف دوره و ۲۳ درصد تا حدودی همخوان و مابقی ناهمخوان ارزیابی کرده‌اند. در ضمن تعدادی از پاسخ‌دهندگان بر بازنگری سرفصل دوره‌ها بر اساس جدول مصوب شورای عالی و در سه حیطه دانش، نگرش و مهارت تأکید شده است.

نتایج پژوهشی مربوط به سؤال ۵، با عنوان «میزان تناسب روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی با اهداف و رئوس مطالب آموزشی» حاکی از آن است که روش‌های تدریس پیشنهادی برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، با توجه به اهداف کلی برنامه و رئوس محتوای آن، از نظر ۵۰ درصد پاسخ دهندگان روش‌هایی مناسب و از نظر ۴۱ درصد تا حدودی مناسب است. ۹ درصد نیز روش‌های تدریس پیشنهادی را نامناسب ارزیابی نموده‌اند. تعدادی از پاسخ دهندگان روش ایفای نقش و حل مسئله را برای دوره ابتدایی و راهنمایی مناسب نمی‌دانند. بخش روش‌های یاددهی - یادگیری به عنوان مهم‌ترین بخش راهنمای برنامه، بایستی کامل‌تر آورده شود. شیوه‌های ارزشیابی از مخاطبان درس آموزش آداب و مهارت‌های زندگی را نیز ۳۹ درصد پاسخ دهندگان مناسب، ۴۸ درصد تا حدودی مناسب و ۱۳ درصد نامناسب اعلام نموده‌اند. بعضی از متخصصان پاسخ دهنده به این سوال معتقدند، داوری از سوی خانواده و خود ارزش‌یابی و ارزشیابی توسط هم‌تایان مشکلات اجرایی خواهد داشت.

نتایج حاصل از سوال پژوهشی شماره ۶ در ارتباط با ارزیابی صحت سازمان‌دهی محتوای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و روش‌های اجرایی برنامه از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد که جدول توالی و وسعت محتوای آداب و مهارت‌های زندگی از نظر ۳۴ درصد از پاسخ دهندگان دارای ارتباط درونی منطقی است، از نظر ۵۹ درصد تا حدودی دارای ارتباط است و ۵ درصد نیز جداول مذکور را فاقد ارتباط منطقی دانسته‌اند.

توضیح این‌که بعضی پاسخ دهندگان معتقدند که نگارش جداول فوق به صورت یکنواخت نبوده، توالی و وسعت محتوای ارائه شده از یک ارتباط منطقی نشئت نگرفته است و لذا ارتباط نظام‌مند بین اصول و اهداف و محتوا برقرار نیست. در ارتباط با تناسب محتوای جداول توالی و وسعت برنامه، با مهارت‌های مورد نیاز زندگی دانش‌آموزان در طول تحصیل و پس از فراغت از تحصیل، ۵۹ درصد پاسخ دهندگان آن را کامل و ۳۴ درصد تا حدودی کامل دانسته‌اند. در ضمن بعضی از آنها معتقدند جداول فوق باید به سه جدول شناختی، مهارتی و نگرشی تبدیل شود و مهارت‌های مشابه در هر دوره نیز در یک ردیف نوشته شود تا امکان ردیابی آن باشد. پاسخ دهندگان در ارتباط با نحوه سازماندهی محتوای آداب و مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی و راهنمایی به صورت تلفیق با برنامه درسی رسمی و در دوره متوسطه با استفاده از دو رویکرد تلفیقی و مستقل، ۶۸ درصد موافق، ۲۷ درصد تا حدودی موافق و ۵ درصد مخالف با این نوع سازماندهی هستند. پاسخ دهندگان اجرای تلفیق را در دوره مستلزم تعیین حدود و ثغور تلفیق و نوع آن، کسب مهارت تلفیق توسط معلمان و تعیین سهم هر یک از دروس در تلفیق می‌دانند. در ارتباط با روش‌های اجرایی برنامه از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، که در رأس آن صلاحیت‌های حرفه‌ای خاص پیش‌بینی شده در این برنامه، برای آموزش ضمن خدمت معلمان در تدریس آموزش آداب و مهارت‌های زندگی است، ۵۴ درصد پاسخ دهندگان صلاحیت‌ها را مناسب و ۴۳ درصد تا حدودی مناسب دانسته‌اند. پاسخ دهندگان نیروی انسانی توانمند را شرط توفیق این برنامه می‌دانند. در مورد الزامات پیش‌بینی شده برای اجرای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، ۵۶ درصد پاسخ دهندگان، الزامات ذکر شده را مناسب و ۴۳ درصد تا حدودی مناسب دانسته‌اند. تأکید بر استفاده از فرصت‌ها و محیط‌های متنوع یادگیری خارج از کلاس نیز مطرح شده است.

در پایان سوالات پرسش‌نامه، سوال ۲۲ به صورت باز و با عنوان «هر گونه نظر اصلاحی در مورد راهنمای برنامه درسی آداب و مهارت‌های زندگی دارید اعلام فرمایید» مطرح گردید که عمده‌ترین نظرات عبارتند از:

- مقدمه انسجام ندارد. تعریف یک‌پارچه‌ای از آداب و مهارت‌های زندگی ارائه نشده است. از بیانیه حوزه یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی در برنامه درسی ملی در این برنامه ردیابی دیده نمی‌شود. مهم‌ترین مشکل راهنما در بخش هدف‌نویسی است. سهم هریک از دروس علوم تجربی، مطالعات اجتماعی و در این برنامه مشخص نیست. نسبت این برنامه با برنامه‌های درسی دیگر در دوره ابتدایی و راهنمایی و میزان و نحوه تلفیق آن‌ها ذکر نشده است. جسارت

در شروع آداب و مهارت‌های زندگی در فرهنگ اسلامی باید در ما ایجاد شود و برنامه را در آن جهت هدایت کنیم. باید اعتقادات و باورهای اسلامی زمینه تبدیل آداب و مهارت‌های زندگی را به عمل در دانش‌آموزان متجلی کند.

- نتایج مطالعات تطبیقی در کشورهای دیگر به خصوص در کشورهای مسلمان در زمینه اجرای این درس ارائه گردد.

برنامه آداب و مهارت‌های زندگی باید از دو بعد ساختاری و محتوایی مورد نقد قرار گیرد. زمان اجرای برنامه در هر دوره تحصیلی مشخص نیست. اگر گفته می‌شود برنامه میان رشته‌ای است پس میان رشته‌ای دیگر نباید مطرح گردد. ارتباط این برنامه با برنامه سایر دروس مشخص نیست. باید توجه کرد حوزه آداب و مهارت‌های زندگی محل کاربرد آموخته‌های سایر دروس است، لذا در این درس بایستی موقعیت‌هایی اعم از واقعی یا شبیه‌سازی شده فراهم گردد تا در خلال آن آداب و مهارت‌های زندگی تحقق یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این نظرسنجی و اعتباربخشی آن نشان می‌دهد که راهنمای برنامه مذکور در بیشتر مؤلفه‌ها مورد توافق و تأیید صاحب‌نظران بوده است؛ اما با توجه به اهمیت و جایگاه این برنامه در کنار سایر دروس و نظرات و دیدگاه‌های ارائه شده از طرف متخصصان همکار در این پژوهش، لازم است در این بخش به شرح و تبیین نکات اصلی مرتبط با این بحث، پرداخته شود. تعریف آداب و مهارت‌های زندگی که در راهنمای برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی آمده، عبارتست از «مجموعه قواعد، سنت‌ها و رسم‌های رایج در جامعه و توانمندی‌هایی که برای جامعه‌پذیری، برخورد عاقلانه با چالش‌های زندگی و برخورداری از یک زندگی موفقیت‌آمیز مورد نیاز است». این تعریف در نظام آموزشی ما به نوعی جدید و ابتکاری است، چرا که در اکثر نظام‌های آموزشی فقط بحث مهارت‌های زندگی مطرح بوده ولی در برنامه درسی مورد نظر این پژوهش که راهنمای برنامه درسی کشور ما را در بر می‌گیرد بحث آداب و مهارت‌های زندگی مد نظر می‌باشد. اما ایرادی که تعدادی از متخصصان به این تعریف گرفته‌اند این است که تعریف ارائه شده جامع و مانع نیست و یک‌پارچگی لازم را ندارد و در حقیقت تعریف ارائه شده تعریف «آداب» و «مهارت» می‌باشد نه تعریف «آداب و مهارت‌ها». بنابراین باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. در بخش نظرات افراد صاحب نظر، سه تعریف در فصل چهارم ارائه گردیده که عبارت‌اند از: ۱. ایجاد توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دینی و تحصیلی و عملی در دانش‌آموزان در

ارتباط با نیازهای زندگی فردی و اجتماعی ۲. پرورش مهارت‌هایی که به فرد کمک می‌کند تا در مقابله با چالش‌های زندگی در دنیای متغیر، با توجه به آداب ایرانی و اسلامی، توانایی برخورد سازنده با آن‌ها را پیدا کند. ۳. رفتارها و مهارت‌هایی که به متری کمک می‌کند تا با توجه به آداب و سنن اسلامی، سازگاری بیش‌تری با جامعه پیدا کند و با چالش‌های زندگی روزمره به نحو عاقلانه برخورد نماید. به نظر می‌رسد در تعریف ۲ و ۳ نسبت به تاريف ديگر مناسب‌تر باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد تعريف آداب و مهارت‌های زندگی به صورت یک‌پارچه و بر اساس نظرات مطرح شده اصلاح شود.

در ارتباط با اصول حاکم بر برنامه، علاوه بر نتایج اشاره شده در این خصوص، طراحان برنامه به ۱۵ اصل در ارتباط با تدوین اهداف، گزینش، سازماندهی محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌ها و شیوه‌های ارزشیابی اشاره داشته‌اند که به نظر می‌آید اولاً باید جملات به کار رفته در اصول، به جملات تأکیدی تبدیل شود تا مشخص گردد که مؤلف چگونه باید عمل کند. ثانیاً باید مبانی نظری حاکم بر اصول نیز مشخص باشد. ثالثاً بایستی ابتدا رویکرد حاکم بر برنامه درسی و سپس اصول حاکم بر عناصر برنامه درسی آورده شود.

رویکرد حاکم بر برنامه در راهنمای برنامه درسی از اهمیت خاصی برخوردار است و بسیاری از مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ها، برگرفته از این مؤلفه، تدوین می‌گردند. پیشنهاد اصلاحی در ارتباط با رویکرد در این برنامه آن است که به نظر می‌رسد در این راهنما طرح یک رویکرد (همان رویکرد سوم که محور این برنامه است) مناسب و کافی باشد، زیرا در رویکرد سوم امکان تلفیق دو رویکرد اول و دوم نیز وجود دارد. البته با توجه به گستره آداب دینی استفاده از رویکرد آداب و مهارت‌های فردی و اجتماعی مناسب است و در ارتباط با این رویکرد، پیشنهاد این است که این رویکرد در یک یا دو جمله، براساس تعریف آداب و مهارت‌های زندگی، تبیین گردد تا تکلیف مؤلفان در تدوین برنامه درسی آن براساس راهنمای برنامه درسی میسر باشد.

در بحث اهداف مطرح شده در این راهنما که مقصد کلی آن تربیت افرادی مؤدب به آداب زندگی اسلامی و ایرانی، عامل به هنجارها و ارزش‌های دینی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و توانمند در مقابله با چالش‌های زندگی روزمره، بیان شده است، باید گفت اهداف توسط اکثر صاحب‌نظران مورد تأیید است و در بعضی از آنها اهداف را بیش از حد جامع می‌دانند به گونه‌ای که می‌تواند حتی هدف‌های نظام آموزشی در یک دوره تحصیلی را پوشش دهد، لذا باید با مراجعه به سند برنامه درسی ملی و اهداف دوره‌های تحصیلی، اهداف آموزش آداب و مهارت‌های زندگی را به صورت جزئی تر تدوین نمود. جامع بودن این اهداف در مقایسه با

اهداف مدنظر پژوهش کرد نوقابی (۱۳۸۴) و ادیب (۱۳۸۲) نیز نمایان است. البته شاید یکی از دلایل خاص این برنامه، با هم بودن آداب و مهارت‌های زندگی باشد.

نکته مهم دیگری که در زمینه اهداف درس آداب و مهارت‌های زندگی مطرح است این است که این درس محل کاربرد آموخته‌های سایر دروس است و شرایط و موقعیت‌هایی اعم از موقعیت واقعی یا شبیه‌سازی شده باید فراهم کرد تا دانش‌آموزان به مهارت لازم در این زمینه دست یابند، لذا بایستی اهداف دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مجدداً بازنگری گردد و مشخص شود هر یک از اهداف مطرح شده به چه میزان به صورت مستقل و به چه میزان توسط دروس دیگر باید تحقق یابد.

محتوا در برنامه برگرفته از اهداف بوده و به نوعی به منظور دستیابی به اهداف برنامه تدوین و سازماندهی می‌گردد، لذا در این زمینه بایستی ابتدا محورهای عمده آموزشی و خرده مهارت‌ها با اصول مربوط به گزینش و سازمان محتوا به ویژه اصول ۹ و ۱۰ (۹ توجه به حد مطلوب یادگیری با عنایت به رشد ذهنی تدریجی در هر پایه ۱۰- اصل توالی، تداوم و استمرار) مورد بازنگری قرار گیرد، سپس با عنایت به محورهای آموزشی، که همان تار و پودهای برنامه هستند، و نیز چهار نوع رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و خلقت، نسبت به شکل‌دهی و انسجام بخشی بین سرفصل‌ها اقدام گردد. نکته مهم دیگر اتخاذ الگوی واحد در سرفصل‌ها و اهداف می‌باشد؛ با توجه به الگوی هدف‌گذاری جدید در سند برنامه درسی ملی بهتر است که اهداف با توجه به پنج عنصر تربیتی تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق تدوین شود.

در زمینه رئوس محتوای آداب و معرفت دینی نیز این نکته قابل توجه است که آیا این آداب از منظر دین است یا برای دین، اگر از منظر دین است یعنی همه‌اش دینی است پس بهتر است این سرفصل‌ها به درس دینی منتقل شود و آداب و مهارت‌های زندگی که در حقیقت محل کاربرد آموخته‌های سایر دروس است در جایگاه خود قرار گیرد و با ارائه موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده بتواند اهداف خود را تحقق بخشد. ادیب (۱۳۸۹) در خصوص محتوای برنامه معتقد است: اگر چه محتوای هر یک از مهارت‌های زندگی هم از نوع دانش بیانی و هم از نوع دانش روش کاری است، اما دانش روش کاری در محتوای بسیاری از مهارت‌های زندگی فزونی بیش‌تری را نشان می‌دهد. بنابر این در این برنامه به دانش روش کاری که همان دانستن چگونه است باید توجه بیشتری شود.

بخش روش‌های یاددهی- یادگیری، یکی از مهم‌ترین بخش‌های راهنمای برنامه برای محیط اجرای برنامه است که باید به صورت کامل‌تر بیان گردد. روش‌های یاددهی- یادگیری در هر

درس تئاتر از اهداف آموزشی، محتوا و توانایی مخاطب در هر دوره تحصیلی است و در این زمینه پیشنهاد این است که به اصول ۱۲ و ۱۳ (اصل توجه به فعال سازی متربیان در فرایند یادگیری و اصل توجه به چیرگی در مهارت‌های اساسی زندگی) عنایت ویژه شود و بر این اساس شیوه‌های اجرای کارگاهی توأم با طراحی و تولید فعالیت‌های مناسب پیش‌بینی گردد. البته در این زمینه نکته مهمی که وجود دارد این است که سؤال شود هر مهارت با چه فرایندی و در چه سطحی و با کدام شیوه می‌خواهد در کلاس پیاده شود و متناسب با آن راهنمای عمل تهیه گردد تا از این طریق، بتوان در محیط اجرا، هر مهارت را در هر یک از پایه‌های تحصیلی به اجرا در آورد. ادیب (۱۳۸۹) نیز عمده‌ترین راهبردهای تدریس این حوزه را الگوهای تعامل اجتماعی و رشد ویژگی‌های شخصی با تجربه‌ی روش‌های فعال تجربی و مشارکتی می‌داند. وی روش‌های تدریس تفحص گروهی، الگوی ایفای نقش، روش سینکینکس یا مشکل‌گشایی به شیوه‌ی بدیعه‌سازی، بارش فکری (مغزی)، و روش یادگیری مشارکتی را برای آموزش مهارت‌های زندگی پیشنهاد کرده است که اکثراً با روش‌های مد نظر برنامه همخوانی دارند.

اگر چه بعضی از پاسخ دهندگان معتقدند بعضی روشها همچون ایفای نقش برای این برنامه قابل اجرا نیست ولی باید گفت که در پژوهش کردنوقایی (۱۳۸۴)، نیز روش‌های یاددهی-یادگیری و تدریس همان روش‌های ارائه شده در این راهنما از جمله روش سخنرانی، بحث گروهی، ارزشیابی از خود، ایفای نقش و آموزش دوجانبه، کارگروهی، پرسش دو جانبه و بارش فکری مد نظر بوده است. در ضمن اکثر روش‌های مورد نظر این برنامه در پژوهش لطف آبادی (۱۳۸۵) نیز که تاکید بر استفاده از روش‌های بحث گروهی، گفتگوی جمعی و مواردی از این قبیل داشته است نیز مطرح گردیده است.

یونیسف نیز برای آموزش مهارت‌های زندگی هفت روش تدریس پیشنهاد کرده است که عبارتند از: ایفای نقش، کار روی متن نمایش (سناریو)، توجه به ارزشها، حل مساله گروهی، نمایش ویدیوئی، سخنرانی میهمان و بحث گروهی (۱۳۷۸). بنابر این روش‌های ارائه شده در دیگر پژوهش‌ها نیز مطرح شده‌اند.

در ارتباط با ارزشیابی برنامه‌ی درسی مهارت‌های زندگی نظر سیف (۱۳۸۴) آن است که به لحاظ ماهیت مهارتی بودن این حوزه، ارزشیابی به طور عمده بر روش‌های کمی و کیفی بررسی عملکرد دانش‌آموز مبتنی می‌باشد. در این راستا از آزمون‌های عملکردی و روش‌های سنجش مشاهده‌ی استفاده می‌شود. از آنجا که بخش قابل توجهی از مهارت‌های زندگی در حیطه‌ی عاطفی قرار دارند، روش‌های ویژه‌ی سنجش هدف‌های حوزه‌ی عاطفی نیز برای این حوزه

مناسب است. برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی در بخش ارائه شیوه‌های ارزشیابی این موارد را رعایت کرده است.

نکته اصلاحی آن است که شیوه‌های ارزشیابی بایستی به صورت جامع مطرح شود و از هر دو رویکرد نتیجه‌مدار و فرایندمدار و کمی و کیفی در حد تعادل استفاده شود. در زمینه تلفیقی بودن برنامه در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی باید الگوی مناسبی برای ارزشیابی طراحی و ارائه شود و شاید ایجاد فرصت‌های عملی و بسترسازی موقعیت‌هایی که یادگیرندگان را با چالش و مسئله روبه‌رو نمایند و سپس ارزشیابی از آن، یکی از شیوه‌های ارزش‌یابی در دروس تلفیقی باشد. اگرچه بعضی پاسخ دهندگان احتمال مناسب بودن بعضی از شیوه‌های ارزشیابی از این درس از جمله خود ارزشیابی را ضعیف دانسته‌اند در صورتی که در پژوهش کردنوقایی (۱۳۸۴) نیز ارزشیابی از خود، عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده، آزمون کتبی عملکردی، نمونه کار و مواردی از این قبیل برای ارزشیابی این حوزه یادگیری مطرح شده است که به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت ویژه این درس روش‌های مذکور پاسخگو خواهند بود. همچنین قلتاش (۱۳۸۹) معتقد است ارزشیابی در رویکرد فعال تنها به آزمون‌های مداد کاغذی و داده‌های کمی محدود نمی‌شود؛ و از پویایی و انعطاف‌پذیری برخوردار است و نه تنها سطح پایین یادگیری بلکه سطوح عالی در حیطه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری مدنظر است. (ص ۴۶)

مطالعه جداول وسعت و توالی محتوای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، نشان می‌دهد که توالی و وسعت محتوای ارائه شده از یک ارتباط منطقی نشأت نگرفته است، لذا به نظر می‌رسد باید یک نقشه مفهومی برای گسترش یک مفهوم، از ابتدایی تا متوسطه، ترسیم گردد و بعد توالی ابعاد یک مفهوم یا مهارت با توجه به آن تنظیم شود. نکته مهم در این قسمت تعیین درس‌های حامل و سهم آن‌ها است و این‌که در این راهنما باید تکلیف رشته‌ای و بین رشته‌ای بودن درس آداب و مهارت‌های زندگی در هر دوره تحصیلی به تفکیک و جداگانه مشخص شود.

انتخاب معلمان و توجه به ویژگی‌های حرفه‌ای آنان و همچنین ضرورت آشنایی ایشان با شیوه‌های تدریس در موقعیت‌های کلاسی و در قالب طراحی فعالیت‌های مناسب، مانند دیگر دروس نیازمند تدارک تمهیدات مناسب و توجه خاص است. البته به غیر از معلم، سایر کارکنان نیز باید آموزش ببینند و حتی به خانواده‌ها نیز باید آموزش لازم داده شود. نکته مهم در این زمینه، به خصوص در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، توانایی تدریس تلفیقی و طراحی و اجرای آن در کلاس درس است که بایستی با آموزش‌های مستمر این توانایی در معلمان به وجود آید.

اگر در راهنمای برنامه درسی برای اهداف قصد شده و تدوین شده، برنامه‌ریزی و

سیاست‌گذارای مناسبی، برای اجرا و الزامات آن، توجه نشود احتمالاً آن برنامه عقیم خواهد ماند. از جمله الزامات اجرایی در این برنامه توجه ویژه به استفاده از فضاهای متنوع موجود در جامعه مانند نهادهای فرهنگی، دینی و هنری و تهیه و تدوین اصول بهره‌برداری از این فضاها با هماهنگی نهادهای مربوطه اجرایی است.

از آنجا که تدوین کنندگان هر برنامه می‌بایست در چارچوب مصوب شورای عالی آموزش پرورش عمل نمایند و مؤلفه‌های راهنما را از نظر ساختاری، شکلی و محتوایی رعایت نمایند لازم است در نهایی‌سازی این راهنمای برنامه به ساختار راهنما و مؤلفه‌های مربوط به آن در مصوبه سازمان پژوهش و شورای عالی آموزش و پرورش توجه شود. همچنین در فرایند تدوین برنامه درسی آمده است که در تدوین اهداف برنامه باید به اهداف بالادستی از جمله اهداف مصوب شورای عالی و اهداف دوره‌ها توجه شود. در این برنامه نیز لازم است پیوند مناسب‌تری بین اهداف دوره‌ها و اهداف آداب و مهارت‌های زندگی برقرار شود و این مهم می‌بایست در قالب جداول وسعت و توالی برنامه نمود پیدا کند.

یک بحث اساسی دیگر این‌که، چون قرار است برنامه درسی ملی، محور کار تدوین برنامه‌های حوزه‌های یادگیری یازده‌گانه (که یکی از آنها آداب و مهارت‌های زندگی است) باشد لازم است اولاً الگوی هدف‌گذاری مطرح شده در برنامه درسی ملی محور کار قرار گیرد. و ۵ عنصر تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و در چهار عرصه ارتباط متری با خود، خدا، خلق و خلقت به درستی در آن دیده شود. و ثانیاً برای تدوین برنامه آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، بیانیه حوزه یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی در برنامه درسی ملی در ارتباط با تدوین این راهنما مورد توجه قرار گیرد و آن بیانیه محور و اساس این راهنما را پایه‌گذاری نماید. (برنامه درسی ملی، ۱۳۸۹)^{۱۵} ثالثاً بحث عملیاتی شدن زمان رسمی غیرکلاسی، که از سوی برنامه درسی ملی پیشنهاد شده است، به صورت جدی توجه شود.

آموزش آداب و مهارت‌های زندگی از جمله دروسی است که ظاهراً در دوره تحصیلی ابتدایی و راهنمایی دارای کتاب درسی و ساعت تدریس مستقل نبوده و می‌بایست به صورت تلفیقی دیده شود. بنابراین لازم است تکلیف درس‌های حامل در این دوره‌ها تعیین و رشته‌ای و بین رشته‌ای بودن درس نیز مشخص شود. ضمن این‌که با تهیه یک مدل، نسبت این برنامه با برنامه‌های درسی دیگر به ویژه در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و میزان و نحوه تلفیق این دروس در آن مشخص گردد.

همچنین با عنایت به اصلاحات پیشنهادی که پس از طرح، بررسی و تصمیم‌گیری در

خصوص اعمال آنها در راهنمای برنامه درسی توسط شورای برنامه‌ریزی گروه درسی آداب و مهارت‌های زندگی صورت خواهد گرفت می‌توان بر مبنای راهنمای برنامه اصلاحی برای تالیف کتاب‌های درسی و تولید سایر اجزای بسته آموزشی در دوره‌های مختلف تحصیلی و همچنین استفاده از آن در دیگر بخش‌های مرتبط اقدام نمود.

منابع

- آقازاده، محرم؛ رضایی، اکبر؛ کردستانی، فرشته؛ احتشامی تبار، اکرم و آیتی، محسن. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در افق بیست ساله. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ادیب، یوسف. (۱۳۸۲). طراحی الگوی مناسب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره‌ی تعلیم و تربیت عمومی. تهران: مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ادیب، یوسف. (۱۳۸۹). الگوی بهینه‌ی برنامه‌ی درسی مهارت‌های زندگی برای دوره‌ی ابتدایی. مجله علوم تربیتی، ۱۷(۲)، ۵-۳۶.
- ارجمندنیا، علی اکبر. (۱۳۸۶). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- اسکندری، حسین و رفیعی فر، شهرام. (۱۳۸۴). برنامه درسی جامع آموزش سلامت در مدارس از مقطع پیش‌دبستانی تا پایان پیش‌دانشگاهی. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت آموزش و پرورش.
- دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی. (۱۳۸۹). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نگاشت سوم. تهران: نویسنده
- حاجی زاده، فرشته. (۱۳۸۶). ارزیابی محتوای کتاب آموزش مهارت‌هایی برای زندگی پایه پنجم ابتدایی بر اساس اصول انتخاب محتوا در برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه صاحب نظران در شهر تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حقیقی، جمال و دیگران(۱۳۸۵). بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول متوسطه. مجله علوم تربیتی و روان شناسی، ۱۳(۱)، ۶۱-۷۸.
- موسوی بجنوردی، محمد کاظم. (۱۳۷۴). دایره المعارف بزرگ اسلامی (جلد ۷). تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی
- دهستانی، منصور. (۱۳۸۷). مهارت‌های زندگی. تهران: جیحون.
- ذوعلم، علی. (۱۳۸۵). مدرسه زندگی. دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی، درسنامه منتشره نشده.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی، گروه آداب و مهارت‌های

- زندگی. (۱۳۸۹). راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی. تهران: نویسنده.
- رنجی، صادق. (۱۳۸۶). نیازسنجی و سامان‌دهی انتظارات وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و ملی از برنامه‌های درسی دوره‌ی تحصیلی آموزش عمومی و متوسطه نظری. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی.
- رمضانخانی، علی و سیاری، علی اکبر. (۱۳۷۸). بررسی وضعیت آموزش مهارت‌های زندگی در نظام آموزش و پرورش. تهران: سازمان یونسف و دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۷۷). برنامه آموزش مهارت‌های زندگی. (ترجمه ربابه نوری قاسم آبادی و محمد خانی). تهران: بهزیستی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۴). سنجش فرآیند و فرآورده‌های یادگیری. تهران: روان.
- صادقی، مریم. (۱۳۸۷). آداب و مهارت‌های زندگی در متون منظوم و منثور و ادب فارسی. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- عابدینی بلترک، میمنت و منصور، سیروس. (۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰). آموزش مهارت‌های زندگی در کتاب‌های درسی، نیازمند ایجاد تحول بنیادین. مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران. تهران: دانشگاه فردوسی مشهد.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۸۶). مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی. تهران: سروش هدایت.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۷). شناسایی و اولویت‌بندی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی مدارس. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۴(۹۳)، ۶۹-۱۰۲.
- فتحی واجارگاه، کورش و دیبا واجاری، طلعت. (۱۳۸۱). بررسی ویژگی‌های شهروند مطلوب برای جامعه ایرانی و میزان توجه برنامه‌های درسی مدارس به این ویژگی‌ها. فصلنامه علوم انسانی ویژه‌نامه جامعه‌شناسی، (۳۵)، ۳۳-۶۲.
- قاسمی زرگر، فهیمه. (۱۳۸۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه بر اساس مولفه‌های مهارت‌های زندگی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران.
- قلناش، عباس؛ یارمحمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، احمد علی و میرشاه جعفری، ابراهیم. (۱۳۸۹). نقد و بررسی رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی. مجله علوم تربیتی، ۱۷(۲)، ۳۷-۶۲.
- کردنوقایی، رسول. (۱۳۸۳). تهیه و تدوین برنامه درسی جامع مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- کیامنش، علیرضا و محسن پور، بهرام. (۱۳۷۸). ارزشیابی پروژه آموزش دختران شاغل روستایی. تهران: سازمان نهضت سوادآموزی و صندوق کودکان ملل متحد (یونسف).
- کیامنش، علیرضا. (۱۳۷۹). سنجش صلاحیت‌های دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان، (ارزشیابی درون‌داد و برون‌داد). تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم و نظام ارزشی دانش‌آموزان. نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، ۱۱-۴۴.

معافی، محمود. (۱۳۸۸). مبانی علمی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی.

دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی. (۱۳۸۷). سند راهبردی آداب و مهارت‌های زندگی. تهران: نویسنده.

یارعلی، جواد. (۱۳۸۷). بررسی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی در مدارس دوره راهنمایی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۹۳ (۲۴)، ۱۹۱-۲۲۱.

یونیسف. (۱۳۷۸). راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی (ترجمه چاپ نشده نگین عبدا... زاده و بازنویسی فاطمه قاسم زاده). تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد.

پی‌نویس

1. Life skills
2. World Health Organization (WHO)
3. Heart
4. Hand
5. Health
6. Head
7. Heart, Health, Head, Hand

۸. برگرفته از راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی (۱۳۸۹) دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

۹. منظور انتظارات برنامه‌ها از همدیگر است.

۱۰. برگرفته از هدف کلی که در اصل گزارش ارائه شده است.

۱۱. در این مقاله منظور از برنامه، برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی است.

۱۲. منظور جهت‌گیری عناصر برنامه درسی با توجه به اهداف و محتوای پیش‌بینی شده در زمینه آموزش آداب و

۱۳. مهارت‌های زندگی است که از طریق آموزش‌های رسمی دنبال می‌شود.

۱۴. منظور محورهای اصلی تعلیم و تربیت اسلامی است که مقصد آن پرورش انسان متفکر، مومن، عالم، عامل و متخلق به اخلاق حسنه است.

۱۵. تمامی اطلاعات، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جهت برقراری ارتباط سازنده با خود، خداوند، نظام خلقت و سایر انسان‌هاست.

۱۶. در برنامه درسی ملی، یازده حوزه یادگیری اعم از زبان و ادبیات فارسی، ریاضیات، قرآن و معارف و... طرح شده است